

## راز قتل دو فرزند ۷ و ۴ ساله توسط پدر



اعصابم راه رفتن که حسسته شدم و با لگد به شکم زدم که بعد هم با کمک «علی» جسد او را نیز در کنار خواهرش دفن کردم. پشیمانی! وقتی فرزندان را کشتی، چه احساسی داشتی؟ گریه کردم! هیچ وقت کابوس ندیده‌ای؟ چرا! یک شب آن‌ها را در خواب دیدم که پسر من به من گفت: بابا گریه نکن! معتاد هستی؟ نه! فقط قلیان می‌کشم دیگر اهل هیچ نوع موادمخدر نیستم! ریشه این جنایت را در چه چیزی می‌دانی؟ سوء ظن! بعد از آن که در خیابان عاشق همسرم شدم! پیامک آن فرد ناشناس، مرا به این جا رساند. اگر زمان به گذشته باز گردد چه می‌کنی؟ عاقلانه تصمیم می‌گیرم. وقتی بقایای اجساد فرزندان از زیر خاک بیرون آمد چه حالی داشتی؟ فقط گریه می‌کردم.

ساختمانی رفته بودم، او هم اتفاقی در همان ساختمان کار می‌کرد این گونه دوباره با هم ارتباط برقرار کردیم. او در مشهد خانه داشت؟ بله! در حاشیه صدمتری زندگی می‌کرد و گاهی مرا با خودش سرکار می‌برد. او هم از همسرش طلاق گرفته است؟ بله! او هم پارسل زنش را طلاق داد ولی بدون آپوریزی از هم جدا شدند. چه شد که تصمیم به قتل فرزندان گرفتی؟ نمی‌خواستم آن‌ها را بکشم اتفاقی این حادثه رخ داد. مدت زیادی نبود که آن‌ها نزد من زندگی می‌کردند. پسر من وقتی من به مشهد آمدم ۵ ماهه بود و تقریباً مرا نمی‌شناخت. دختر من نیز به خواست مادرش مرا اذیت می‌کرد و رفتارهای بی‌ادبانه داشت. شهریور سال ۹۸ بود که برای ترساندن دخترم خطاب را دور گردنش انداختم اما دیدم چشمانش بسته شد. چرا با «علی» - را تماس گرفتی؟ چون او دوستم بود. وقتی به خانه آمد کمک کرد تا جسد را دفن کنیم. پسر ۴ ساله ات را چرا کشتی؟ او هم آن قدر روی

همه وجودم را گرفت، خیلی زود بازگشتم و از همسرم خواستم گوشی تلفنش را به من بدهد ولی او مقاومت کرد. به همین دلیل گوشی را به زور از او گرفتم و پیامکی بسایین مضمون دیدم که «می‌توانی صحبت کنی؟» این پیامک روح و روانم را به هم ریخت و سوء ظن مانند خوره به جانم افتاد. همسرت چه می‌گفت؟ او انکار می‌کرد که عامل ارسال پیامک رami شناساند. شاید یک فرد ناشناس به اشتباه آن را ارسال کرده بود؟ دیگر نمی‌دانم! اما همان پیامک مرا نابود کرد. بعد از این ماجرا اختلافات شما آغاز شد؟ بله! من از ساعت ۶ صبح تا ۸ شب سرکار بودم ولی روابط عاطفی ما با آن که دختر من به دنیا آمده بود، خیلی سرد بود. نداشتیم کاری از دست ساخته نبود. ولی از سال ۹۸ اوج کرونا بود و کسب و کارها رونق می‌گرفت؟ گاهی با خودم به سرکار نمی‌رفتم و گنج کاری می‌بردم و برخی شب‌ها را روی چمن‌ها و زیر پل‌ها می‌خوابیدم! فکر نمی‌کردی دخترت باید به مدرسه برود؟ چاره‌ای نداشتیم! کاری از دست ساخته نبود. ولی از سال ۹۸ اوج کرونا بود و کسب و کارها رونق نداشت، چگونه زندگی می‌کردی؟ با همان درآمد اندکی که گاهی سرکار می‌رفتم هزینه‌ها را تأمین می‌کردم. گدای هم کردی؟ نه! با «علی» - کجا آشنا شدی؟ او از من بزرگتر است و در لنگرود هم محله‌ای بودیم. او را چگونه در مشهد پیدا کردی؟ یک روز که سرکار

زیادی نداشتیم از سوی دیگر هم می‌خواستیم سرکار بروم و برای خودم درآمد کسب کنم. چه شغلی برای خودت انتخاب کردی؟ از همان زمان به کارگری ساختمان روی آوردم ولی بیشتر در زمینه گچ کاری فعالیت می‌کردم. الان چند ساله هستی؟ متولد ۱۳۶۸ هستم. پدرت چه کاره است؟ در اداره پست کار می‌کرد. البته کشتاورزی هم داشتیم ولی من می‌خواستم مستقل زندگی کنم. مادرت خانه دار است؟ بله! خدمت سربازی را در کجا گذرانده‌ای؟ دوران آموزشی را در شهرستان شیروان از توابع خراسان شمالی بودم و بعد هم به لاهیجان منتقل شدم و تا پایان خدمت سربازی آن‌جا بودم. چه سالی ازدواج کردی؟ سال ۹۱ بود. با همسرت چگونه آشنا شدی؟ او را در مسیر مدرسه دیدم! به بدانش رفتم تا این که بالاخره شماره تلفن او را گرفتم و حدود دو ماه با یکدیگر در ارتباط بودیم تا این که به خواستگاری اش رفتم و با هم ازدواج کردیم. در واقع با یک آشنایی خیابانی، عاشق شدی؟ بله! اما نمی‌دانستم که این آشنایی به چنین سرانجامی می‌رسد! چند سال بعد از ازدواج اختلافات شما با همسر آغاز شد؟ از همان اوایل زندگی! چرا؟ همه زندگی مرا یک «پیامک» نابود کرد. یک شب وقتی قصد رفتن به سرویس بهداشتی را داشتم و همسرم در پذیرایی منزل نشسته بود، احساس کردم یک «پیامک» به گوشی تلفن همسرم از سال شد. سوء ظن به همین دلیل در سال ۹۵، همسر و فرزندانم را رها کردم

گروه حوادث - عصر یک شنبه گذشته، ماجرای تکان دهنده‌ای در مشهد رخ داد که بسیاری از مخاطبان را در شوک فرو برد. به گزارش مشرق، مرد ۳۲ ساله‌ای که با شکایت همسرش دستگیر شده بود، ناگهان راز قتل دو فرزند ۷ و ۴ ساله‌اش را فاش کرد و در حضور قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) محل دفن اجساد را در بیابان‌های طبرسی شمالی ۷۶ نشان داد. دقایقی بعد با دستور مقام قضایی، امدادگران آتش نشانی در حالی جیست و جو، همدست متهم به قتل نیز اجساد قربانیان این جنایت ه لوناک آغاز کردند که گروه تخصصی کار آگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز برای ادامه تحقیقات در محل حضور داشتند. پس از مدتی جیست و جو، همدست متهم به قتل نیز که «علی» نام دارد، به محل مذکور هدایت شد و بالاخره بقایای اجساد قربانیان این حادثه و حشمتک، از زیر خاک‌های سرد بیرون آمد. متهم نیز پرونده جنایی در پاسخ به سوالات فنی سروان مفرد (افسر پرونده) تا بسا نظارت و در حضور قاضی صفری صورت گرفت، انگیزه این جنایت را اختلافات خانوادگی ذکر کرد. او در گفت و گوئی کوتاه به سوالات درباره سرگذشت خود و چگونگی آشنایی با همسرش نیز پاسخ داد که نتیجه این گفت و گو به مخاطبان تقدیم می‌شود.

نامت چیست؟ جابر - الف اهل کجایی؟ لنگرود سوادداری؟ بله! تا کلاس سوم راهنمایی تحصیل کردم. چسرا ادامه تحصیل ندادی؟ به دروس و مدرسه علاقه

### محاكمه پدر به اتهام قتل پسر جوانش

گروه حوادث - مرد میانسال که به خاطر اختلاف با پسر جوانش او را به قتل رسانده بود، در دادگاه کیفری یک محاکمه شد. رسیدگی به این پرونده از آذر سال ۹۸ با کشف جسد پسر جوانی در منطقه پردیس روغن آغاز شد. پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و در تحقیقات اولیه مشخص شد که مقتول از ناحیه گردن با چاقو مجروح شده و بر اثر شدت جراحت وارد فوت کرده است. در ادامه جسد مقتول به دستور قاضی کشیک به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران شناسایی عامل قتل را در دستور کار قرار دادند. در نخستین گام مأموران با شناسایی هویت مقتول که محسن نام‌داشت به سر اسرا خانواداش در منطقه شرق تهران رفتند اما آنها عنوان کردند از چند روز قبل پسرشان به مسافرت رفته و از او خبری نداشتند. با این حال مأموران که به حرف‌های ضلوع تقیض پدر خانوادمشکوک شده بودند او را زیر نظر گرفتند و با ردیابی تلفن همراه او متوجه شدند که در زمان وقوع قتل، وی در همان منطقه کشف جسد حواشاست. ضمن اینکه در تحقیقات پیشرفت، پیدا شدن آثار خون روی یکی از لباس‌های پدر مقتول، کار آگاهان را به کشف راز این جنایت نزدیک تر کرد.

پس از آنکه در تحقیقات پیشرفت، پیدا شدن آثار خون روی یکی از لباس‌های پدر مقتول، کار آگاهان را به کشف راز این جنایت نزدیک تر کرد. به این ترتیب پدر مقتول دوباره احضار شد و وقتی در برابر مستندات و شواهد قرار گرفت در نهایت لب به اعتراف گشود و گفت: از مدت‌ها قبل بر سر مسائل مختلف با پسر اختلاف داشتم، او کارهایی می‌کرد که آبروی خودش و خانواده را به خطر می‌انداخت. روز حادثه برای صحبت و حل این اختلافات با پسر سوار ماشین شدیم و به سمت رودهن حرکت کردیم. یک ساعتی با او صحبت کردم اما زیر بار

### باربری پس از قتل در عروسی

سومین باردوست پسر عمومم وارد درگیری شد و با چاقو سامان را به قتل رساند. پس از حادثه خیلی ترسیدیم و با پسر عمومم به مرز ایران و ترکیه رفتم و ۳۰ میلیون تومان به قاچاق بر انسان دادیم تا ما را از مرز خارج کند. ۱۵ شبانه روز در کوهستان‌ها حیران و سرگردان بودیم و ما را به روستایی مرزی رساند. پس از روز استراحت در روستای استانبول رفتم. وی ادامه داد: آنجا خیلی به ما سخت گذشت، چون غریب بودیم و به صورت غیر قانونی رفته بودیم و به همین خاطر سه روز بعد دوباره به تهران برگشتیم. روز زندگی مخفیانه خودمان را در تهران شروع کردیم. در این مدت هر دو ما با امانت‌من با بربری می‌کردیم، اما به خانه‌مان رفت و آمد نداشتیم. چون می‌ترسیدیم شناسایی و دستگیر شویم. شب‌ها هم در پارک و ماشین‌ها خانه دوستان می‌خوابیدیم. اما در نهایت شناسایی و دستگیر شدیم. مهران هم در بازجویی گفت: «آن شب من و پسر عمومم به خاطر رقص با یکی از مهمان‌های خانواده عروس درگیر شدیم. دوستم من در آن درگیری بود، اما دخالتی نکردم و من با چشمان خودم دیدم که ستار با چاقو پسر جوان را زد. پسر عمومم قاتل است و دروغ می‌گوید که دوستم من قاتل است و به همین دلیل هر دو به کشور ترکیه فرار کردیم»

عروسی چندباری با هم مشاجره لفظی کردند تا اینکه آخرین بار ستار وارد درگیری شد و با چاقو ضربه‌ای به سامان زد و او را خونین نقش بر زمین کرد. «همزمان با ادامه تحقیقات در باره این حادثه مأموران پلیس به محل زندگی دو متهم رفتند اما یافتند متهمان از محل زندگی شان به مکان نامعلوم گریخته‌اند. تحقیقات مأموران پلیس نشان داد دو متهم پس از حادثه به صورت غیر قانونی به کشور ترکیه فرار کرده در مکان نامعلومی زندگی پنهانی را آغاز کرده‌اند. در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهمان ادامه داشت، چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید دو متهم مدتی قبل از ترکیه به ایران برگشته و در یکی از محله‌های جنوبی تهران زندگی می‌کنند. بدین ترتیب مأموران مخفیگاه متهمان به قتل را شناسایی و چند روز قبل آن‌ها را بازداشت کردند. دو متهم به دادسرای امور جنایی منتقل شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند.

گروه حوادث - دو پسر عمو که دی سال گذشته در یک مراسم عروسی مرتکب قتل شدیم بودند، هنگام باربری بازداشت شدند. متهمان اعتراف کردند که پس از حادثه به صورت غیر قانونی به ترکیه گریخته بودند و مدتی قبل پس از بازگشت از آن کشور مشغول باربری بودند که دستگیر شدند. شش‌ماهه جمعه سوم دی سال گذشته مأموران کلاتری ۱۲۹ جامی قتل پسر جوانی را به قاضی محمد جواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند. مأموران اعلام کردند ساعتی قبل در تالار عروسی پسر جوانی در درگیری با چاقو زخمی و به بیمارستان منتقل می‌شود، اما تلاش تیم پزشکی برای نجات وی نتیجه نمی‌دهد و پسر جوان فوت می‌کند. با اعلام این خبر بازپرس جنایی همراه تیمی از کار آگاهان اداره هم پلیس آگاهی برای تحقیق به بیمارستان رفتند. تیم جنایی در بیمارستان با جسد خونین جوانی به نام سامان روبه‌رو شدند که با اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد دو پسر عمو به نام‌های ستار ۲۱ ساله و مهران ۲۲ ساله در جشن عروسی هنگام رقص و پایکوبی با مقتول درگیری می‌شوند. درگیری آن‌ها وقتی بالایی گیر دیگری از آن‌ها با چاقو ضربه‌ای به سامان می‌زند و بعد هم هر دو در محل فرار می‌کنند. یکی از شاهدان هم گفت: «پسر عموها ز فامیل‌های دور داماد هستند و مقتول هم از بستگان عروس است. ساعتی قبل مهران در حال رقص بود که مقتول به او نگاه چپ کرد و بعد با هم درگیر شدند. آن‌ها در

نمی‌رفت و حرف‌هایش را تکرار می‌کرد تا اینکه بین راه پیاده شدیم و به رستورانی رفتیم و با هم ناهار خوردیم. وی افزود: پس از آن دوباره سوار ماشین شدیم اما با هم بحث‌مان شروع شد. هر چقدر تلاش کردم تا او را مجاب کنم که اشتباه می‌کنند و مسیر زندگی‌اش را درست کند توجهی نمی‌کرد تا اینکه در محدوده پردیس، محسن شروع به داد و بیداد کرد و به نشانه اعتراض از ماشین پیاده شد و من هم برای ادب کردن و ترساندنش چاقویی را برداشتم و به سمتش رفتم که محسن به جای اینکه بترسد و عقب‌پشت‌گیری کرد و من هم که عصبانی شده بودم در یک لحظه کنترل‌م را از دست دادم و با چاقو ضربه‌ای به او زدم که به گردنش خورد و پسر من روی زمین افتاد. متهم در حالی که سرش را به پایین انداخته بود، گفت: تا به خودم آمدم، دیدم محسن از شدت خون‌ریزی جان‌باخته و من هم از ترسم با فاصله سوار خودروام شدم و فرار کردم و در وسط راه چاقو را از پنجره به بیرون پرتاب کردم و به خانه برگشتم. در ابتدای این جلسه مادر مقتول به عنوان ولی دم از مجازات شوهرش صرف‌نظر کرد و گفت: «من شکایتی از شوهرم ندارم. در ادامه متهم که با قید وثیقه آزاد بود، به جایگاه رفت و گفت: هیچ پدری راضی به مرگ پسرش نیست. آن روز به واقع قصدی برای کشتن پسر من نداشتیم و فقط می‌خواستیم او را ادب کنیم. فکر می‌کردم محسن با دیدن چاقو و عصبانیت من کوتاه می‌آید و می‌ترسد اما وقتی به سمتش رفتم او عصبانی تر شد و یک مشت به صورتم کوبید و کاری کرد که در یک لحظه کنترل‌م را از دست دادم.

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

### آماده همکاری

آماده همکاری  
راننده آقا هستم ۴۳ ساله بدون خودرو آماده همکاری با اشخاص به صورت تمام وقت مدت ۱۵ سال تور گاید بودم ۰۹۳۸۴۶۴۱۰۶۲

### اجاره مغازه

آگهی مزایده  
به اطلاع می‌رساند در نظر است یک باب مغازه با کاربری تجاری به مساحت ۳۵۰ متر مربع واقع در خیابان نیایش نبش کوچه شهید تابش به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت اجاره سالیانه واگذار گردد. متقاضیان جهت هماهنگی به شماره ۰۹۳۴۷۶۹۸۵۸۹ با آقای شهرکی تماس حاصل فرمایند.

### خدمات

خدمات برق  
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی  
جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

تاسیسات ساختمانی کرمی  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

### عرضه قارچ

عرضه قارچ تولید کیش به کیشوندان بدون واسطه (تحويل در محل) تلفن سفارش: ۰۹۳۴۷۶۹۲۴۹۶

### استخدام

املاک ایده ال از افراد مبتدی و با سابقه جهت مشاور املاک همکاری دعوت به عمل می‌آورد، متقاضیان با شماره ۰۹۹۱۸۰۱۸۹۰۴ یا ۰۹۳۶۰۸۸۲۸۵۵۵ تماس حاصل نمایند.

### دعوت به همکاری

موسسه رسانه ای و مطبوعاتی اقتصاد کیش جهت تکمیل کادر پرسنلی در بخش‌های مختلف از تعدادی خانم و آقا، آشنا و علاقمند به فعالیت در امور اداری - اجرایی دعوت به همکاری می‌نماید علاقمندان به نشانی خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه یا با شماره ۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل نمایند.

### منشی عصر

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

### نیازمندیهای اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

۴۴۴۲۴۹۶۹  
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش